



## انکار شهادت حضرت زهرا (شبهه)

**کلیدواژه:** شهادت حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)، کاشف الغطاء (رحمة‌الله‌علیه)، آیت‌الله خویی (رحمة‌الله‌علیه).

**پرسش:** آیا مرحوم کاشف الغطاء (رحمة‌الله‌علیه) و آیت‌الله خویی (رحمة‌الله‌علیه)، منکر شهادت حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) بودند؟

**پاسخ:** شهادت حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)، و آتش کشیدن خانه آن حضرت از مسلمات نزد شیعیان است؛ ولی برخی با تحریف سخنان علمای شیعه درصدد این هستند که این قضیه را انکار کنند و آن را به شیعیان هم نسبت بدهند که در این مورد به مرحوم کاشف‌الغطاء (رحمة‌الله‌علیه) و آیت‌الله خویی (رحمة‌الله‌علیه)، به غلط نسبت داده‌اند که آنها منکر شهادت حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) هستند؛ لذا برای روشن شدن مطلب اصل کلام آن بزرگواران را آورده و نقد و بررسی خواهیم کرد.

### فهرست مندرجات

۱ - شبهه در سخن آیت‌الله خویی

۱.۱ - نقد و بررسی

۲ - شبهه در سخن کاشف‌الغطاء

۲.۱ - نقد و بررسی

۲.۱.۱ - بخش اول کلام کاشف‌الغطاء

۲.۱.۲ - بخش دوم کلام کاشف‌الغطاء

۲.۱.۲ - پاسخ بخش اول

۲.۱.۲.۱ - عدم عصمت کاشف‌الغطاء

۲.۱.۲.۲ - هدف کاشف‌الغطاء

۲.۱.۲.۳ - تأیید شهادت حضرت محسن

۲.۱.۲.۴ - تأیید هجوم به خانه وحی و آتش زدن آن

۲.۱.۴ - پاسخ بخش دوم

۲.۱.۴.۱ - انجام هر عملی برای رسیدن به قدرت

۲.۱.۴.۲ - ننگ ندانستن زنده‌یگور کردن دختران

۲.۱.۴.۳ - زشتی نسبت هذیان به پیامبر

۲.۱.۴.۴ - تناقض‌گویی اشکال‌کنندگان

۲.۱.۴.۵ - کتک زدن دختران رسول خدا در کربلا

۳ - بانویس

۴ - منبع

### شبهه در سخن آیت‌الله خویی

از آیت‌الله خویی پرسیده شد: که آیا روایت شکسته شدن پهلوئی زهرا (علیها‌السلام) صحیح است؟ در پاسخ گفت: طبق رأی مشهور میان علما صحیح نیست.

[۱] تیریزی، میرزا جواد، صراط‌النجاه، ج ۳، ص ۳۱۲.

### ← نقد و بررسی

با مراجعه به کتاب مورد نظر و مطالعه پرسش و پاسخ مطرح شده در آن، رسوائی مطرح‌کنندگان چنین شبهاتی بیش از پیش روشن خواهد شد و اصل کلام آیت‌الله العظمی خویی بهترین پاسخ به چنین افتراءات است؛ از این‌رو، ما اصل کلام مرحوم آیت‌الله العظمی خویی را در این‌جا نقل می‌کنیم تا وجدان‌های بیدار دآوری کنند که عالمان اهل تسنن چگونه افکار مردم و عوام خود را به بازی گرفته‌اند تا به مقصودشان که همان در نادانی ماندن آنان است، برسند.

متن پاسخ آیت‌الله خویی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه):

س ۹۸۰: هل الروایات التي یذكرها خطباء المنبر، وبعض الكتاب عن كسر «عمر» لصلع السيدة فاطمة (عليها‌السلام) صحيحة برايكم؟ الخویی: ذلك مشهور معروف.

سؤال ۹۸۰: آیا روایات و سخنانی که گویندگان در منابع و بعضی از نویسندگان در کتاب‌هایشان نوشته و گفته‌اند که عمر پهلوئی فاطمه

(سلام الله علیها) را شکسته، به نظر شما درست است؟  
مرحوم آیت الله خوبی در پاسخ فرموده است: این روایات مشهور و معروف است.

## شبهه در سخن کاشف الغطاء

سخن **کاشف الغطاء**، کتک خوردن فاطمه را رد می‌کند:  
علامه کاشف الغطاء می‌گوید:  
اما داستان زدن زهرا و آسیب دیدن گونه او از آن مواردی است که نه **وجدان**، نه **عقل** و نه احساساتم توان پذیرفتن آن را ندارد. نه به خاطر این که آن **قوم** نمی‌توانستند آنرا انجام دهند؛ بلکه به این دلیل که خو و سرشت **عرب** و عادات و تقالید نیک **جاهلیت** پیش از **اسلام** که **شریعت اسلام** نیز آن را مورد تأیید قرار داد، همانند **غیرت** و **تعصب** نسبت به **زنان** هرگز به یک مرد **عرب** اجازه نمی‌داد که زنی را آن هم در برابر شوی او مورد ضرب و شتم قرار دهد.  
**آقا** **الشیخ جعفر**، مشهور به **کاشف الغطاء**، **حنة الماوی**، ص ۶۳.

### ← نقد و بررسی

اصل کلام مرحوم کاشف الغطاء دو بخش دارد.

#### ← بخش اول کلام کاشف الغطاء

انا لا ابرئ هؤلاء القوم، لكن ضرب المرأة كان في ذلك الزمان عيبا، فمن يضرب امرأة يصح ذلك عارا عليه وعلى عقبه، ففي نهج البلاغة عن علي عليه السلام: . . . ولا تهيجوا النساء باذى، وان شتمن اعراضكم، وسببن امراءكم، فانهن ضعيفات القوى، والانفس، والعقول، ان كنا لنؤمر بالكف عنهن وانهن لمشركات، وان كان الرجل ليتناول المرأة في الجاهلية بالفهر، او الهراوة، فيعير بها وعقبه من بعده. من نمی‌خواهم این گروه را تبرئه کنم؛ ولی کتک زدن یک **زن** زشت است و **عیب**، هر کسی زنی را کتک بزند، هم برای خودش ننگ‌آور است و هم برای منسوبین به او.  
**علی (علیه السلام)** می‌فرماید: اگر زنها آبروی شما را زیر سؤال ببرند و یا بزرگان شما را **نفرین** کنند، آنها را آزار ندهید؛ زیرا زن از نظر جسمی و روحی و فکری نقص دارد، ما را از آسیب رساندن به زنان مشرک برحذر می‌داشتند، و در **دوران جاهلیت** حتی اگر مردی زنی را آذیت و آزار می‌کرد، هم خودش و هم آیندگان پس از او را سرزنش می‌کردند.

#### ← بخش دوم کلام کاشف الغطاء

ولكن قضية الزهراء، ولطم خدها مما لا يكاد يقبله وجداني، ويتقبله عقلي، ويقنع به مشاعري، لا لان القوم يتخرجون ويتورعون من هذه الجراة العظيمة، بل لان السجایا العربية، والتقاليد الجاهلية التي ركزتها الخ...  
داستان **زهرا (سلام الله علیها)** و سیلی خوردنش را نه وجدان من و نه **عقل** و مشاعر من آن را می‌پذیرد؛ البته نه به این جهت که گروه مخالف را از چنین جراتی بزرگ پاک نمایم؛ بلکه خصلت‌های **عربی** و **تقلید** از سنت‌های جاهلی آن را اثبات می‌کند.  
**آقا** **کاشف الغطاء**، **الشیخ محمد حسین (متوفای ۱۲۷۳هـ)**، **حنة الماوی**، ص ۶۳.

### ← پاسخ بخش اول

علامه **سید جعفر مرتضی** در توضیح کلام مرحوم کاشف الغطاء می‌نویسد:  
در پاسخ می‌گوییم: سخن کاشف الغطاء که بعضی با استفاده از آن در **حوادث** وارده بر حضرت زهرا (سلام الله علیها) تشکیک کرده‌اند، نکات زیادی همراه دارد که به برخی از آن اشاره می‌کنیم:  
کاشف الغطاء، منکر حوادث وارده بر حضرت زهرا (سلام الله علیها) نیست، و ما علی‌رغم این که معتقد هستیم که او حوادث وارده را انکار نمی‌کند می‌گوییم:

#### ← عدم عصمت کاشف الغطاء

اولاً: کاشف الغطاء اگرچه دانشمندی برجسته و صاحب نام است؛ ولی این ویژگی باعث نمی‌شود که او از **خطا** و اشتباه مصون باشد؛ مخصوصاً مساله‌ای اگر نیازمند تحقیق و تتبع دقیق در متون و مصادر آن باشد. و لذا می‌بینیم که او در داستان هجوم به خانه زهرا (سلام الله علیها) و کتک زدن و **سقوط جنین** به دلایلی استناد کرده است که مورد **اعتماد** وی بوده است؛ بنابراین ضرور است که در ادله او نهایت دقت و بررسی را داشته باشیم؛ چون ممکن است این دلیل‌های درست نباشد و باید سخنان و آرای وی با دقت و کنجکاوی مورد نقد قرار گیرد و به صرف شیعه بودن و عالم بودن از تیررس نقد علمی نباید دور بماند.

#### ← هدف کاشف الغطاء

ثانیاً: ممکن است کاشف الغطاء کسانی را مخاطب قرار داده باشد که افراد مهاجم به خانه زهرا (سلام الله علیها) را انسان‌های پاک دانسته و با دیده احترام به **اعمال** آنان نگاه کنند و آنان را میزان درستی و **حق** بدانند؛ و لذا او می‌خواسته است واقعیت امر را به آنان بفهماند بدون این که **احساسات** آنان را تحریک نماید و به همین جهت است که این **اعمال** را از آنان بعید دانسته است تا بتواند از میانه این دو **هدف**، وجدان خفته افراد غیر متعصب را که برای مهاجمین قداستی قائل نبودند، بیدار نماید.

در تأیید این نکته باید گفت: او این سخن را در پاسخ پرسش کسی گفته است که اگر پاسخی غیر از آن می‌داد، به **یقین** احساسات وی را تحریک می‌کرد؛ خصوصاً پس از آن‌که کاشف‌الغطاء تلاش وسیعی برای ایجاد **وحدت** بین **مسلمانان** آغاز کرده بود و به آن بسیار اهمیت می‌داد.

### ←← تأیید شهادت حضرت محسن

ثالثاً: این **دانشمند** بزرگ در جایی دیگر بدون هیچ‌گونه ابهام و توجیهی که در آن تحریک عواطف طرف مقابل وجود ندارد، عقیده‌اش را بازگو می‌کند و با صدای بلند فریاد می‌زند که **محسن** فرزند حضرت زهرا (علیها‌السلام) را سقط کردند و در خانه‌اش را **آتش** زدند، او در اشعارش با سوز و گداز از مصیبت‌های زهرای اطهر سخن سرایی می‌کند و شهادت فرزندش **محسن** را به اثبات می‌رساند:

من سقط محسن خلف الباب منهجه  
وفى الطوفوف سقوط السبط منجدلا  
بباب دار ابنة الهادی تاجچه.  
وبالخیام ضرام النار من حطب  
اگر **حسین (علیه‌السلام)** را در **کربلا شهید** کردند، پیش از آن محسن زهرا (علیها‌السلام) را پشت در، با ضربه لگد به **شهادت** رساندند، و اگر در کربلا خیمه‌ها را آتش زدند، این حرکت ادامه به آتش کشیده شدن خانه زهرا و علی (علیها‌السلام) بود.

لک: **الموسوی المقرم، سید عبد الرزاق (متوفای ۵۱۳۹۱هـ)، مقتل الحسین، ص ۲۸۹، ناشر: منشورات قسم الدراسات الاسلامیة، طهران، ایران.**

### ←← تأیید هجوم به خانه وحی و آتش زدن آن

رابعاً: مرحوم کاشف‌الغطاء، مسئله هجوم به خانه وحی و آتش زدن در خانه را موضوعی می‌داند که همه بر آن اتفاق نظر دارند و لذا می‌نویسد:

طفحت واستفاضت كتب الشيعة، من صدر الاسلام والقرن الاول، مثل كتاب سليم بن قيس، ومن بعده الى القرن الحادي عشر وما بعده بل والى يومنا هذا، كل كتب الشيعة التي عنيت باحوال الائمة، وابيهم الآية الكبرى، وامهم الصديقة الزهراء صلوات الله عليهم اجمعين، وكل من ترجم لهم، والى كتابا فيهم، واطبقت كلمتهم تقريبا او تحقيقا في ذكر مصائب تلك البضعة الطاهرة، انها بعد رحلة ابیها المصطفى (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ضرب الظالمون وجعها، ولطموا خدعا، حتى احمرت عينها وتناثر قرطها، وعصرت بالباب حتى كسر ضلعها، واسقطت جنبها، وماتت وفى عضدها كالدملج.

ثم اخذ شعراء اهل البيت (سلام‌الله‌عليها) هذه القضايا والرزايا ونظموها فى اشعارهم ومرثيهم، وارسلوها ارسال المسلمات: من الكميث والسيد الحميري، ودعبل الخزاعي، والنميري، والسلامي، ودبک الجن، ومن بعدهم، ومن قبلهم الى هذا العصر. وتوسع اعظم شعراء الشيعة فى القرن الثالث عشر، والرابع عشر، الذى نحن فيه، كالخطي، والكعبي، والكوازين، وآل السيد مهدي الحلين، وغيرهم ممن يعسر تعدادهم، ويفوق الحصر جمعهم واحادهم. وكل تلك الفجائع والفطائع، وان كانت فى غاية الفظاعة والشناعة، ومن موجبات الوحشة والدهشة، ولكن يمكن للعقل ان يجوزها، وللادهان والوجدان ان تستسيغها، وللافكار ان تقبلها، وتعضمها، ولا سيما وان القوم قد اقترفوا فى قضية الخلافة، وغصب المنصب الالهى من اهله ما يعد اعظم وافظع.

کتاب‌های **شیعه** از آغاز **اسلام** و از نخستین **قرن** آن مانند **کتاب سلیم بن قیس** و افرادی که پس از او تا قرن یازدهم؛ بلکه تا زمان ما آثاری را نوشته‌اند و بلکه همه کتاب‌هایی که متعرض **حوادث** زندگی **ایمه (علیهم‌السلام)** و پدر بزرگوارشان آیت و نشانه الهی و مادرشان حضرت صدیقه (سلام‌الله‌علیها) شده‌اند و یا افرادی که شرح حال آنان را نوشته و به صورت خاص کتابش را به آنان اختصاص داده است، همه این اشخاص سیلی خوردن زهرا را پس از فوت **پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)** و کبود شدن **چهره** و سرخ شدن چشم‌ها و افتادن گوشواره بر اثر آن ضربه، و همچنین شکسته شدن پهلوی زهرا را پشت در، و سقط شدن **حسین** و ورم کردن بازو را نوشته و شرح داده‌اند.

پس از مؤلفان و نویسندگان شیعه، **شاعران اهل بیت (علیهم‌السلام)**، این مصیبت‌های و رنج‌ها را در اشعارشان بیان کرده‌اند؛ همانند **کمیث، سید حمیری، دعبل خزاعی، سلامی و دبک الجن**.

و شاعرانی که پس از آنان آمده‌اند حتی شاعران زمان ما. خصوصا شاعران شیعه در قرن سیزده و چهاردهم مانند: **خطی، کعبی، کوازین، آل سیدمهدی حلی** و غیر آنان که نام بردن از همه مشکل است.

این افراد اعم از نویسندگان و شاعران فجایع دردناک وارده بر حضرت زهرا را بازگو کرده‌اند؛ اگرچه این فجایع، دردناک و ستمگرانه است؛ ولی عقل و وجدان آن را واقع شده می‌پندارد و **اندیشه** آزاد آن را می‌پذیرد؛ زیرا همه این حوادث تلخ در پی مسئله **خلافت** و جانشینی و **غصب** این منصب از طرف نا اهلان اتفاق افتاد.

ل۵ **کاشف الغطاء، الشیخ مجد حسین (متوفای ۵۱۳۷۳هـ)، حنة الماوی، ص ۶۱.**

### ←← پاسخ بخش دوم

آنچه که کاشف‌الغطاء در بعید دانستن کتک خوردن زن **عربی** و در توجیه آن گفته است، غیر قابل قبول است؛ زیرا:

### ←← انجام هر عملی برای رسیدن به قدرت

اولاً: فرمایش حضرت علی (علیه‌السلام) که کتک زدن زن را عار و ننگ برای **عرب** دانسته است، به معنای محال بودن چنین عملی نیست که گفته شود: اصولاً عرب زن را کتک نمی‌زند؛ بلکه گاهی برای رسیدن به اهدافی مانند **خلافت** و **حکومت** بدترین و زشت‌ترین فجایع را مرتکب می‌شوند؛ مخصوصاً اگر در رسیدن به این منصب **ثروت** فراوان و گسترش قدرت و نفوذ در بین مردم و شهرت وجود داشته باشد.

پنابراین در موضوع مورد بحث ما که خلافت دینی و اسلامی است و مردم به آن نگاهی احترام‌آمیز دارند، به یقین برای رسیدن و دستیابی به آن هر جنایتی قابل توجیه خواهد بود.

### ←← ننگ ندانستن زنده‌بگور کردن دختران

ثانیاً: آیا زنده به گور کردن **دختران** عار و ننگ نیست؟ و آیا برادرکشی برای رسیدن به **دنیا** ننگ نیست؟ آیا این اعمال عارگونه مربوط به دوران جاهلیت نبود؟ و همان‌گونه که می‌دانید، خیزران بچه‌اش را برای به دست آوردن قدرت و ریاست کشت، **فامون** برادرش **امین** را که مزاحم حکومتش بود از پا درآورد، و این ضرب‌المثل از خود شما است که:  
الملك عقيم لا رحم له.  
خلافت و **سیاست** بی‌رحم است.

[۶] الطبری، ابی جعفر مجد بن جریر (متوفای ۳۱۰)، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۵۲۲، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت.  
[۷] المسعودی، ابو الحسن علی بن الحسین بن علی (متوفای ۳۴۶هـ) مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۴.

**ابوهلال عسکری** در توضیح این **ضرب‌المثل** می‌گوید:  
قولهم الملك عقيم. يراد ان الملك لو نازعه ولده ملكه لم يلبث ان يهلكه فيصير كانه عقيم لم يولد له.  
الملك عقيم؛ یعنی اگر فرزند حاکم و یا پادشاه با ریاست و حکومتش مخالفت کند، به دست پدر کشته می‌شود و این‌گونه می‌اندیشد که گویا هیچ‌گاه فرزندی نداشته است.  
[۸] **العسکری، الشیخ الادیب ابو هلال، حمهرة الامثال، ج ۲، ص ۲۴۷، رقم: ۱۶۲۷، ناشر: دار الفکر - بیروت - ۱۴۰۸ - ۱۹۸۸م.**

#### ←← زشتی نسبت هذیان به پیامبر

ثالثاً: اگر معاصران **پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)** مواظب گفتار و کردار خود بودند تا از آنان سخن ناپسندی در **حق** رسول خدا و در محضر آن حضرت صادر نشود و بر این امر تقید داشته و احترام او را نگه می‌داشتند، نباید این سخن بی‌ادبانه را در حالی که می‌شنید بر **زیان** جاری می‌کردند که:  
ان الرجل ليهجر؛ این مرد هذیان می‌گوید.

در صورتی که بنیان‌گذار ارزش‌های دینی باید از پیروی کردن از عادات و **تقلید** به دور باشد، افزون بر این، آیا چنین نسبتی به پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شایسته‌تر است برای ننگ و عار ابدی یا کتک زدن زن و یا خراب کردن خانه و سخنان زشت تبارش کردن؟ پس اگر در آن روز و در محضر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از عار و ننگ ابدی می‌ترسیدند باید به طور کلی حرمت پیامبر را رعایت می‌کردند نه این‌که در موردی کتک زدن را عار و ننگ بدانند؛ ولی بی‌احترامی به **رسول خدا** را نه. و یا فاطمه را مورد **تهدید** قرار دادن و آتش زدن خانه را انکار کنیم؛ ولی سیلی زدن را بپذیریم.  
آیا شایسته است سیلی زدن را عار و ننگ برای عرب بدانیم؛ ولی آتش زدن را یا انکار کنیم و یا آن را عار و ننگ ندانیم؟

#### ←← تناقض‌گویی اشکال‌کنندگان

رابعاً: آن‌هایی که به سخن کاشف الغطاء استناد و **استدلال** می‌کنند، خود آنان در صحت سخنان امیرمؤمنان (علیه‌السلام) در **نهج البلاغه** اشکال و ایراد وارد می‌کنند و بارها گفته‌اند: معرفی **زن** به عنوان موجودی ضعیف؛ هم از جهت روحی و بدنی و نقصان در عقل، سخنی است غیر علمی و ناپسند؛ پس چگونه می‌شود در جایی دیگر همین سخن را پایه استدلال خویش قرار داده و بر صحت آن مهر تأیید می‌زنند؟

#### ←← کتک زدن دختران رسول خدا در کربلا

خامساً: در حادثه غم‌انگیز **کربلا** دختران رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را افرادی که دل‌هایشان آکنده از کینه شده بود، با تازیانه بدون **اندیشه** در عاقبت این کار زدند، آیا از عار و ننگ ابدی آن و گرفتاری در خشم و **غضب پروردگار** بی‌خبر بودند؟ البته ما از شبهه «غیرت عرب مانع از کتک زدن زنان» به صورت جداگانه پاسخ دادیم و موارد بسیاری از کتک زدن زنان توسط **خلیفه دوم** را از کتاب‌های **اهل سنت** نقل کردیم.  
در پایان این قسمت به رسوائی دیگری از طراحان بی‌بضاعت در عرصه شبهه‌افکنی اشاره می‌کنیم، امید آن‌که این‌گونه افراد از این پس سنجیده‌تر **عمل** کنند.

#### پانویس

۱. ↑ **تیریزی، میرزا حواد، صراط النجاه، ج ۲، ص ۳۱۴.**
۲. ↑ **الشیخ جعفر، مشهور به کاشف الغطاء، حنة الماوی، ص ۶۳.**
۳. ↑ **کاشف الغطاء، الشیخ مجد حسین (متوفای ۱۲۷۳هـ)، حنة الماوی، ص ۶۳.**
۴. ↑ **رک: الموسوی المقرم، سید عبد الرزاق (متوفای ۱۳۹۱هـ)، مقتل الحسین، ص ۳۸۹، ناشر: منشورات قسم الدراسات الاسلامیة، طهران، ایران.**
۵. ↑ **کاشف الغطاء، الشیخ مجد حسین (متوفای ۱۲۷۳هـ)، حنة الماوی، ص ۶۱.**
۶. ↑ **الطبری، ابی جعفر مجد بن جریر (متوفای ۳۱۰)، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۵۲۲، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت.**
۷. ↑ **المسعودی، ابو الحسن علی بن الحسین بن علی (متوفای ۳۴۶هـ) مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۴.**
۸. ↑ **العسکری، الشیخ الادیب ابو هلال، حمهرة الامثال، ج ۲، ص ۲۴۷، رقم: ۱۶۲۷، ناشر: دار الفکر - بیروت - ۱۴۰۸ - ۱۹۸۸م.**

[مؤسسه ولی عصر، برگرفته از مقاله «آیا مرحوم کاشف الغطاء \(رحمة الله عليه\) و آیت الله خویی، \(رحمة الله عليه\)، منکر شهادت حضرت زهرا \(سلام الله علیها\) بودند؟».](#)

رده‌های این صفحه : [تاریخ معصومان](#) | [شبهات اهل سنت](#) | [شبهات وهابیت](#) | [شهادت حضرت فاطمه](#) | [مباحث کلامی](#)